

## زبان اول و روش‌های یادگیری زبان دوم

ساجده خالد احمد<sup>۱</sup> - پ.ی.د. عاطف عبدالله  
فرهادی<sup>۲</sup>

<sup>۱+۲</sup> بخش زبان فارسی، دانشکده زبان، دانشگاه صلاح-الدین، اربیل، اقلیم کردستان، عراق.

### چکیده:

زبان ابزار اصلی ارتباط میان انسان‌هاست. الفاظ یک زبان علامتی بیش نیستند و بر اساس روابطی که بین این علائم (دال) و معنی (مدلول) برقرار است، معنایی را می‌رسانند. مسلماً در ایجاد این ارتباط زبان مادری نقش اساسی را ایفا می‌کند. زبان در اصل، نظامی ذهنی است که به صورت ابزاری-آوایی ظاهر می‌شود و عمده‌ترین

و اصلی‌ترین نقش آن، ارتباط و انتقال معانی از یک فرد به فرد دیگری است. افراد با به کارگرفتن قاعده‌های زبان و تولید رشته‌های گوناگونی از واژه‌ها، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. از همین رو، به روشنی پیداست که زبان به میزان زیادی با زندگی انسان، یعنی با فعالیت‌های ذهنی و حرکتی او- آمیخته و از آغاز تا پایان زندگی با او همراه است. در مقاله حاضر نیز سعی بر آن است تا چگونگی فراگیری زبان اول و یادگیری زبان دوم و شیوه‌های یادگیری را به روش توصیفی-کتابخانه‌ای تحلیل و بررسی کرد و دستاورد علمی این پژوهش، حاکی از این مطلب است که در فرایند یادگیری زبان دوم مبتنی بر چهار روش اساسی اشاره شده در این مقاله اعم از روش ترجمه-دستور، روش مستقیم، روش شنیداری گفتاری (آدیولینگوال)، یادگیری الکترونیکی، در این روند یادگیری نقش بسزایی را ایفا می‌کنند.

**کلید واژه:** زبان مادری، زبان دوم، فراگیری، یادگیری.

### Article Info:

DOI: 10.26750/Vol(10).No(3).Paper26

Received: 15-Aug-2022

Accepted: 26-Sep-2022

Published: 29-Sep-2023

Corresponding Author's E-mail:

sajeda.ahmad@su.edu.krd

Atif.farhad@su.edu.krd

This work is licensed under CC-BY-NC-ND 4.0

Copyright©2023 Journal of University of Raparin.



## فصل اول

## 1. مقدمه:

از اول بین خلقت و پیدایش انسان، خدا زبان (Language) را به انسان بخشیده تا بتواند به وسیله آن صحبت کند، همچنان که در قرآن کریم آمده است، در سوره روم خداوند جل و علی می‌فرماید: (وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ) [22] و از نشانه‌های الهی، آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شما است، همانا در این امر برای دانشمندان و اهل دانش نشانه‌هایی قطعی است. زبان همچون یک نعمت الهی که خدا به انسان داده و به عنوان یک پدیده اجتماعی که انسان می‌تواند از آن استفاده کند و نیز برای رفع تمام مشکلات روزمره خود از این نیروی کوچک و نعمت الهی سود جوید.

از قدیم‌ترین ایام زبان انسان وجود دارد، شاید حتی اول بین تاریخچه آن معلوم نباشد، زیرا که در روزگاران کهن شاید صدها هزار زبان بوده که ما انسان‌ها تا حالا حتی نام بسیاری از آنها را نیز بلد نیستیم یا اصلاً نمی‌دانیم در چه روزگاری و چه کسانی بدان سخن‌گفته‌اند. در دنیا زبان‌های هستند که بیش از یک کشور بدان صحبت می‌کنند به عنوان مثال، زبان انگلیسی که یکی از زبان‌های استاندارد جهانی است، یا زبان عربی که اول بین زبان جهانی اسلامی است، که در تمام کشورهای عربی کاربرد دارد. و زبان فارسی نیز به عنوان دومین زبان جهانی اسلامی شمرده می‌شود و در حال حاضر در کشورهای چون، ایران، افغانستان و تاجیکستان زبان رسمی محسوب می‌شود. از این رو می‌توان گفت که ایران تنها کشور فارسی زبان نیست. در کشورهای دیگر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، در افغانستان بدان زبان دری می‌گویند. در کشورهای چون، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان نیز بدان تکلم می‌کنند. در روزگار ما به سبب مهاجرت اهالی برخی از مردم ایران حتی در عراق نیز تعدادی از مردم به زبان فارسی صحبت می‌کنند، به خصوص در کردستان آن هم به علت نزدیک بودن و خویشاوندی زبان فارسی و کردی چون هر دو زبان از یک خانواده هستند؛ گاه به عنوان یک زبان خوانده می‌شوند و به علل غنی بودن گویش‌های هر دو زبان نمی‌توان گفت زبان کردی و فارسی یک زبان هستند تنها می‌توان گفت هم ریشه و هم خانواده هستند.

زبان چون یک پدیده اجتماعی است و همواره با تغییرات نیازهای جوامع، زبان بشری نیز تغییر می‌یابد و پیشرفت می‌کند، صورت ثابت ندارد بلکه متحرک است و مدام در حال تحول است. از این رو دانشمندان برای شناساندن زبان تعریفات گوناگونی ارائه نموده‌اند، که برخی از آنها به قرار زیرند:

- فردینان دوسوسور بر این تأکید می‌کند که: «زبان دستگاهی است از نشانه‌ها که بیانگر افکارند». (دوسوسور: 1378، 23).
- ادوارد سپیر «زبان را به عنوان مجموعه‌ای از نمادهای دلخواهی گفتاری که بیانگر صورت‌های که همان فکر یا معنی است» تعریف می‌کند. (مشکوه‌الدینی: 1397، 130).
- نوام چامسکی معتقد است که «زبان توانایی و خصیصه ذاتی منحصر به فرد نوع انسانی است». (یول: 1380، 53).
- لونیس توماس درباره زبان گفته است: «موهبت زبان تنها ویژگی انسان است که همه ما را به لحاظ ژنتیک و از سایر موجودات زنده مشخص می‌سازد». (اگرادی و همکاران: 1384، 9). از این تعریف روشن می‌شود، که زبان برای انسان همه چیز است و این خصوصیت زبان است موجب شده که انسان از سایر مخلوقات دیگر زرنگ‌تر و عالی‌تر و بهتر نمایان شود. پس انسان به وسیله این ابزار زبانی کوچک می‌تواند تمام کارهای خود را جامه عمل

بیوشاند و به نوعی ارتباط را میان خود و اقوام مختلف برقرار کند. پس می‌توان گفت که زبان وجه تمایز میان انسان از حیوان و سایر مخلوقات دیگر است.

- خانلری اینچنین می‌نویسد: «هر گونه نشانه‌ای که به وسیله آن زنده‌ای بتواند حالات معانی موجود در ذهن خود را به ذهن موجود زنده دیگر انتقال دهد زبان خوانده می‌شود». (خانلری: 1399، 4).
- محمد رضا باطنی در تعریف زبان اینچنین می‌نویسد: «زبان وسیله ارتباط بین افراد جامعه است. تنها وسیله‌ای است که می‌تواند افراد جامعه را به هم پیوند دهد و در نتیجه یک واحد اجتماعی به وجود آورد. زبان مهمترین نهاد جامعه است». (باطنی: 1385، 1).
- مهری باقری در مقدمات زبان‌شناسی در تعریف زبان چنان می‌نویسد: «زبان یک نهاد اجتماعی است». (باقری: 1390، 4). پس زبان نه تنها وسیله ارتباط بشر است، بلکه پایه اغلب نهادهای دیگر اجتماعی نیز هست به دلیل سرشت اجتماعی بودن خود همواره با اختلاف جامعه، از یک جامعه به جامعه‌ی دیگر دگرگون می‌شود و مدام در حال پیشرفت و تغییر است. به عبارت دیگر با اینکه این نهاد اجتماعی در همه اجتماعات بشری یک نقش و وظیفه دارد آن هم برقراری ارتباط است، اما شکل آن الزاماً در همه جوامع یکسان نیست و کاملاً نحوه کاربرد آن در هر جامعه مختلف است.

**روش پژوهش:** روش کاربردی در این پژوهش روش توصیفی - کتابخانه‌ای است، ابتدا زبان را تعریف و بعد چگونگی یادگیری زبان اول و دوم مشخص و بیان شده، سپس شیوه و متدهای یادگیری زبان دوم را مورد تحلیل و پژوهش قرار داده‌ایم. همچنان در این بررسی اشاره‌ای کوتاه به تفاوت جنسیت در یادگیری زبان دوم شده و تمامی مطالب مورد نیاز در نگارش پژوهش از منابع در دسترس جمع آوری و فیش برداری شده و بعد از تنظیم تمامی داده‌ها طبقه‌بندی و نگاشته شده‌اند.

**2. اهمیت و سوالات پژوهش:** این مقاله برگزیده شده قسمتی از پایان نامه کارشناسی ارشد است، با در نظر گرفتن عنوان پایان نامه، و نزدیکی زبان فارسی و کردی به هم دیگر و همچنین زبان فارسی که به عنوان زبان دوم در دانشگاه صلاح‌الدین/ دانشکده زبان خوانده می‌شود و یک گروه اساسی است، زیرا این مبحث برای کسانی که خواهان این هستند که زبان دیگری را یاد بگیرند بسیار حائز اهمیت است. در این پژوهش سعی بر آن است که متدهای یادگیری زبان دوم را مطرح سازیم. این پژوهش مبتنی بر تعاوی هرشش است، هژبشگر و هی یافتن ابا این هرششراست، که آیا فرایند فراگیری زبان اول و یادگیری زبان دوم مانند یکدیگر هستند توسط شخص یادگیرنده، و چه راه و متدهای در بر گرفته می‌شود، و کدام یک از آنها بیشتر در روند یادگیری زبان دوم مؤثر هستند؟

**3. پیشینه پژوهش:** لازم به ذکر است در پیشینه پژوهش باید به این نکته اشاره کرد، که در زبان فارسی درباره فراگیری زبان اول و یادگیری زبان دوم پژوهش‌های زیادی به انجام رسیده. از جمله: آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان (بررسی رویکردهای نوین و چالش‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان) توسط شهریار شادی‌گو و محمدرضا کمری (1393)، که در آن پژوهشگران به بررسی عوامل مؤثر در آموزش زبان دوم و رویکردهای نوین آموزش زبان فارسی چالش‌های پیش‌روی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان با استفاده از پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه پرداخته شده‌اند. (بررسی چند روش آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان) توسط شهین شیخ سنگ تجن (1393)، که در این مقاله به شیوه تدریس زبان فارسی به عنوان زبان خارجی به غیر فارسی‌زبانان پرداخته‌اند و در آن تفاوت‌های فراگیری و یادگیری زبان اشاره شده است، و در ادامه برخی

از روش‌های آموزش زبان دوم از قبیل روش ترجمه، روش مستقیم و... غیره اشاره شده است. (ارتباط به‌کارگیری راهبردهای یادگیری و سطح مهارت فراگیران زبان انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی) توسط مجتبی محمدی (1388)، هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط به کارگیری راهبردهای یادگیری در فرآیند یادگیری است که زبان انگلیسی و مهارت زبانی آنها در میان دانشجویان به عنوان زبان خارجی مورد بررسی پژوهشگر قرار گرفته. (شیوه یادگیری مستقیم در بستر آموزش الکترونیکی) توسط نادر حقانی (1384)، در این پژوهش، قابلیت‌های شیوه یادگیری مستقیم و چگونگی استفاده از آن، در دو بستر سنتی و الکترونیکی، مورد بررسی قرار می‌گیرند، که یکی از روش‌های نوین یادگیری زبان دوم است. (راهبردهای یادگیری زبان دوم: در جستجوی نمایه‌ای برای زبان فارسی) توسط رضامراد صحرائی و شراره خالقی زاده (1391)، که در آن نوع کاربردی می‌باشد و به شناسایی راهبردهای یادگیری زبان فارسی (به عنوان زبان دوم) در میان فارسی آموزان خارجی می‌پردازد. و بسیاری از تحقیقات دیگر از این قبیل. و این نمایانگر این حقیقت است که زبان یک نهاد بسیار مهمی است برای انسان و اول ین ابزار ارتباطی نیز محسوب می‌شود. ولی با توجه به این نکته، که این مقاله برگرفته شده قسمتی از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان، "مشکلات آموزش زبان فارسی به زبان آموزان کورد (دانشجویان بخش زبان فارسی به عنوان نمونه)" است، پژوهشی کاملاً نظری است.

## فصل دوم

### - فراگیری زبان اول و یادگیری زبان دوم

در زبان انگلیسی اصطلاحات مختلفی در برابر زبان اول به کار گرفته شده است، مانند: زبان اول (First Language)، زبان مادری (Mother Language)، زبان بومی (Native Language) و زبان گهواره‌ای (Cradle Language)، کاربرد همه آنها یکی است و زبانی است که کودک در سنین کمی برای اولین بار آن را فرا می‌گیرد. آنها مصطلحاتی هستند که در روند فراگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند. فرآیند فراگیری زبان، فرآیند ناخودآگاهی است و کودک زبان مادری را که زبان اول او محسوب می‌شود ناخودآگاهانه و از طریق تکرار کردن فرا می‌گیرد، «(اصطلاح فراگیری) در مورد زبان، دلالت دارد بر تکامل تدریجی توانایی در یک زبان از طریق استفاده از زبان اول به طور طبیعی و در موقعیت‌های ارتباطی، ولی اصطلاح (یادگیری) در مورد فرآیند آگاهانه انباشتن دانش واژگان و دستور یک زبان به کار برده می‌شود». (یول: 1385، 221).

زبان دوم (L2 (second language) به زبانی گفته می‌شود، که فرد آن را در دوره بزرگسالی آگاهانه یاد می‌گیرد پس از آنکه که زبان اول L1 یا زبان بومی را در دوران کودکی یاد گرفته باشد. زبان اول L1 برای هرکسی زبان مادری محسوب می‌شود. انسان تمام سیستم‌های (دستورهای زبانی) زبان اول را از کودکی و ناخودآگاهانه فرا می‌گیرد. اما زبان دوم برای اغلب کسانی که آن را می‌آموزند می‌توان زبان کمکی باشد و آگاهانه و در دوران بلوغ یا پس از بلوغ در انسان صورت می‌گیرد. یادگیری زبان دوم بستگی به شخصی دارد که خود را در معرض یادگیری یک زبان خارجی قرار می‌دهد. ممکن است فردی زبان دوم را در بافتی برای مثال در محیطی مانند کلاس، که در آن امکان برای کاربرد زبان محدود است، در حالیکه ممکن است همان شخص همان زبان را به غیر از کلاس در محیط دیگری و بیرون از کلاس هم به کار ببرد و یاد بگیرد، مثلاً در جامعه یادگیری زبان سرعت بیشتری دارد. به نظر فالک «مورد اول زبان خارجی (foreign language) نامیده می‌شود، یعنی خارجی هم برای بافت و هم برای زبان آموز. گاهی اوقات بهتر است که حالت دوم با عنوان زبان دوم (second language) نامیده شود». (فالک: 1383، 424). در اینجا می‌توان گفت؛

حالت دوم برای یادگیری بسیار ساده‌تر و آسانتر است در عین حال این روش یادگیری که همراه با تعامل کردن با افراد جامعه و آشنایی با فرهنگ زبان دوم است در این روند بسیار موفقیت آمیزتر است. فالک نیز معتقد است که «یادگیری زبان خارجی، همانند فراگیری زبان بومی، یک فرایند طبیعی است که نمی‌توان آن را آموخت، بلکه تحت شرایط مناسب خود به خود رخ می‌دهد». (فالک: 1372، 503). به طور کلی نزدیکی زیادی بین یادگیری زبان خارجی و فراگیری زبان بومی- مادری وجود دارد. همان طور که در نمونه بالا اشاره شد، برای شخصی که زبان خارجی را یاد می‌گیرد، تحت شرایط مناسب و بافتی مناسب و زبانی را که می‌خواهد یادگیرد مدام از آن استفاده کند و مورد کاربرد باشد، حتی اگر دچار اشتباه شود باید بی‌اعتنا باشد تا از یادگیری سرد نشود و مدام در تلاش باشد؛ همچنین مهم است، که شخص دارای انگیزش باشد و مانند کودکی که در حال فراگیری زبان مادری است و همه این عوامل و بافت مناسبی برای شخص بزرگسال مهیا باشد، این روند یادگیری برای او نیز آسان می‌شود، فراگیری زبان مادری برای کودکان، آنچنان هم که پیداست آسان نیست، او نیز در طی این فرایند مرتکب خطاهای بسیاری می‌شود؛ از قبیل، غلط تلفظ کردن آواها، استفاده نا درست از دستور زبان، پس و پیش کردن جملات و از این قبیل اشتباهات، که ممکن است یک بزرگسال نیز همین مشکلات پیش رویش واقع شود، اما تفاوت این دو گونه اشتباهات بین کودک و بزرگسال در این است، که هیچ توجهی به خطاهای کودک نمی‌شود، برعکس آنکه همان اشتباه توسط بزرگسالان تا حدی بارز و نمایان است. بر اساس این است، که فالک به وضوح به ارتباط بین فراگیری و یادگیری اهمیت داده و نزدیکی بین آنها را نمایان می‌سازد. او نیز بر این موضوع تأکید می‌کند و می‌گوید: «به رغم این حقیقت که بسیاری از افراد بزرگسال نمی‌توانند به زبان دیگری تسلط یابند، باید خاطر نشان ساخت که برخی از افراد بزرگسال به واقع در این کار و حتی در شرایط نامطلوب‌تر موفق می‌شوند». (فالک: 1383، 425). این گویای این حقیقت است، که استعداد ذاتی کودکان برای فراگیری زبان، حتی در سن پس از بلوغ نیز از بین نمی‌رود؛ می‌تواند به صورتی منظم از آن استفاده کرد، شاید فعال کردن این استعداد اندکی دشوارتر به نظر برسد، یا ممکن است برای افراد بزرگسال پیچیده‌تر باشد تا به محیط و بافت مناسب و ضروری برای فعال کردن استعدادهای ذاتی‌شان دست یابند. اما به صورت کلی، به هر گونه‌ای باشد یادگیری زبان دیگری برای شخص بزرگسال کاملاً امکان پذیر است. درباره همین موضوع که چرا بزرگسالان دیرتر از کودکان می‌توانند بر یادگیری زبان دوم تسلط یابند، یول می‌گوید: «زمان ناکافی و انگیزش و تمرکز کم باعث تضعیف بسیاری از کوشش‌های یادگیری زبان دوم شده است، ولی افرادی هم پیدا می‌شوند که به نظر می‌رسد می‌توانند بر دشواری‌ها مسلط شوند و توانایی به کارگیری زبان دوم را به صورت کاملاً کارایی، اگرچه معمولاً نه شبیه به متکلم بومی زبان (یعنی آن کس که آن زبان برایش زبان اول محسوب می‌شود)، به دست آورند». (یول: 1389، 234). در اینجا بر اساس این گفته یول می‌توان چنین دریافت کرد، که برای بسیاری از افراد یادگیری زبان دیگری متفاوت از فراگیری زبان اول است و نمی‌توان کاملاً هر دو را یکی دانست، همانطور که فالک می‌گوید، شاید خیلی به هم نزدیک باشند و با همدیگر ارتباط داشته باشند ولی یکی نیستند. برای مثال افرادی که در سنین نوجوانی یا پس از بلوغ به یادگیری زبان دیگری می‌پردازند فقط با چند ساعت در هفته یا در کلاس و در محیط متعددی که آموزش می‌بینند و با جامعه زیاد برخورد ندارند و با آن زبان تعامل مستمری ندارند و با افراد جامعه آمیخته نمی‌شوند و در کارهای روزانه از آن زبان برای برقراری ارتباط از آن استفاده نمی‌کنند، برعکس کودکی که تمام این چند سالی که مشغول فراگیری زبان مادری است هیچ کار دیگری ندارد، به جز فراگیری زبان و مغزش همانند فرد بزرگسال مشغول نیست و مدام از زبان مادریش استفاده می‌کند. با اینکه نمی‌توان این حقیقت را در نظر نگرفت که بسیاری از افراد بزرگسال به آسانی نمی‌توانند زبان دیگری را یاد بگیرند و در تسلط یافتن بر آن عاجز می‌مانند، ولی گاهی اتفاق می‌افتد که واقعاً بزرگسالان هم با تلاش زیاد برای توفیق در این فرایند نیز می‌توانند تسلط یابند. در این مورد فالک به این نکته نیز اشاره می‌کند: که «استعداد بنیادین زمان کودکی حتی پس از سنین بلوغ نیز از بین نمی‌رود. شاید بازیابی فعالیت این استعداد

دشوارتر باشد، یا ممکن است بزرگسالان دشوارتر بتوانند محیط لازم برای دوباره فعال کردن استعدادهایشان رای بیابند». (فالک: 1372، 504). پس این گویای این حقیقت است که یادگیری زبان دوم برای افراد به هر نحوی قابل امکان است و هیچ اشکالی ندارد شاید اندکی لهجه داشته باشند ولی باز هم می‌توانند به توفیق برسند.

بر اساس همه آنچه گفته شد، می‌توان چنین دریافت کرد که در میان فراگیری زبان اول در کودکی و یادگیری زبان دوم نزد نوجوانان تفاوت‌های وجود دارد که فالک آنها را در چند نکته زیر نمایان می‌سازد:

1. افراد بزرگسال قبلاً به یک زبان تسلط یافته‌اند و بنابراین صورتها و قواعد زبانی بسیاری را می‌دانند.
2. سیستم عصبی افراد بزرگسال و ماهیچه‌های مجرای گفتار آنها در جهت انجام دستور عملهای مجموعه‌های خاصی از مختصه‌های آوایی عادت کرده است.
3. افراد بزرگسال استراتژیهای خاصی را برای یادگیری مطالب جدید فرا گرفته‌اند. (آنها در مقایسه با کودکان بر روی توضیحات صریح تکیه میکنند و ممکن است کمتر بتوانند از روش استقرایی، یعنی دستیابی به تعمیم بر مبنای داده‌های خاص استفاده کنند).
4. شواهدی وجود دارد که افراد بزرگسال می‌توانند فقط با افزودن قواعد اضافی تغییراتی در نظام زبان بومی خودتغییراتی به وجود آورند (برای مثال، تغییرات گویشی). امکان دارد که یادگیری زبان خارجی تحت تأثیر این محدودیت قرار گیرد.
5. افراد بزرگسال مطالب بسیاری درباره خصوصیات معنایی و جهان خارج بسیار می‌دانند، که هیچ یک از این عوامل در فراگیری زبان توسط کودک وجود ندارند. برای فرد بزرگسال، یادگیری زبان خارجی از سوی ساده‌تر و از سوی دیگر دشوارتر از فراگیری زبان بومی توسط کودک است. (فالک: 1383، 425).

بر اساس تمام نظریه‌ها و اعتقاداتی که از زبان‌شناسان ارائه شد، می‌توان به این حقیقت پی برد که می‌شود بین فراگیری زبان بومی (زبان اول) و یادگیری زبان دوم یا زبان خارجی تمایزی تعیین نمود، عموماً در فرایند فراگیری کودک زبان را ناخود آگاه و بدون تلاش و غیر سیستماتیک کاملاً به صورت طبیعی بدون آموزش و سریع‌تر فرا می‌گیرد، در حالی که یادگیری زبان دوم برای افراد آگاهانه اندکی کندتر رخ می‌دهد، فرد برحسب آرزو یا اجبار خود را در معرض یادگرفتن زبان دیگری قرار می‌دهد، خواه این یادگیری به صورت آموزش در کلاس یا در بافت خاصی یا جامعه یا هر صورت دیگری باشد، یعنی یادگیری زبان دوم می‌توان با تلاش و تا حدی تصنعی و کاملاً سیستماتیکی باشد. پس یعنی یادگیری زبان دوم زمانی آغاز می‌شود که استعداد شناختی شکل گرفته باشد و مغز فرد مبتنی بر یک زبان، هر زبانی که باشد (منظور زبان بومی یا زبان مادری است)، تنظیم شده است، زبان دوم نیز در واقع بر اساس زبان بومی آموخته می‌شود.

### - راه‌های آموزش یا شیوه‌های یادگیری

به طور کلی رویکردها و روش‌های زیادی برای یادگیری زبان دوم وجود دارد، که استفاده از هر یک از آن روش‌ها با توجه به علایق شخصی فرد یادگیرنده برمی‌گردد، که برای یادگیری زبان دوم از کدام یک از این روش‌ها استفاده می‌کند. یادگیری زبان دوم برای دانشجویانی که می‌خواهند زبان دیگری را یاد بگیرند کار دشواری است. دانشجویان باید با یک سری از سیستم و نظام دستوری زبان مورد نظر در فرایند یادگیری باید تسلط داشته باشند، این هم کار آسانی نیست تا بتوان به آسانی مانند یک بومی زبانی بدون داشتن لهجه بدان صحبت کرد. در اینجا روش تدریس یا متدهای یادگیری نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. ریبین می‌گوید: «سبک‌های یادگیری به شیوه‌های اطلاق می‌شوند، که فرد بر اساس



آنها به گونه‌های متفاوتی می‌اندیشد، عمل خاصی را انجام میدهد و به منظور حل مسئله یا تأثیر بر روی محیط خود از آنها استفاده می‌کنند. به نظر وی سبک‌های یادگیری تنها متناسب با شیوه‌های یادگیری فرد نیست، بلکه مطابق با بعد غالب فرد می‌باشد». (رحمتیان، مهرابی 1389، 97). عقیده عمومی در مبحث شیوه‌ها و سبک‌های یادگیری زبان دوم هر یک به نحوی است، روشن است که هر کس روش خاصی برای دریافت و پردازش اطلاعات دارد، به بیانی دیگر یعنی شیوه یادگیری هر کس با فرد دیگر متفاوت است. به طور خلاصه چند راه و روشی از شیوه‌های یادگیری را مطرح می‌سازیم:

## 1. روش ترجمه-دستور (GTM)(Grammar- Translation method)

یکی از قدیمترین و مهمترین روش‌های رایج تدریس زبان دوم پیش از قرن بیستم، یعنی در قرن نوزدهم بود، البته از آن به عنوان روش سنتی یادگیری زبان نیز یاد می‌شود. «این روش سنتی از شیوه تدریس لاتین اقتباس شده است که عموماً آن را روش دستوری- ترجمه‌ای می‌نامند». (پول: 1385، 224). خلاصه این روش به این شکل بود، ابتدا می‌بایست زبان آموزان قواعد و نظام‌های دستوری زبان دوم را بیاموزند و آن‌ها را از بر کنند و این قانون‌ها را بر روی واژگان همان زبان تطبیق کنند. استفاده از زبان خارجی محدود به ترجمه بود، یا از انگلیسی به زبان دیگر یا از زبان دیگر به انگلیسی. هر وقت هدف یادگیری محدودتر بود، و نتیجه مطلوب نهایی فقط دست یابی به مهارت ترجمه مواد نوشتاری بود. روش دستور ترجمه، برای این هدف به طور منطقی مؤثر می‌افتاد. (فالک: 1372، 489). در مرحله دوم برای بالا بردن سطح زبانی دوم در ابتدا می‌بایست کمترین دستور و قواعد را در اختیار زبان آموزان قرار دهند. روش‌های آموزش در این دوره به نحوی بود، که زبان آموزان می‌بایست آموزش لیست واژگان دو زبانه، قواعد دستوری پیچیده، نوشتن جملات سنگین، سؤالی کردن و منفی کردن جملات، مهارت‌های ترجمه جملات به زبان مادری و استفاده از قواعد پیچیده نحوی و بسیاری از مطالب دیگر از بنیادی‌ترین اصول آموزش زبان در این روش به شمار می‌رود. (حمدامین: 2010، 15). آخرین مرحله از آموزش زبان به شیوه دستور- ترجمه، تقویت مهارت‌های خواندن، نوشتن و ترجمه است. برای تقویت مهارت خواندن، معمولاً از متون ادبی استفاده می‌شود. انتخاب این متون باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر انطباق با هدف درس، یعنی آموزش دستور، از نظر زبانی نیز با دانش زبانی زبان آموز انطباق داشته باشد، به همین جهت در برخی از موارد، متون انتخاب شده با نظر معلم ساده‌تر می‌شود. (حقانی، 1383، 118-103). اما این راه چندان به توفیق نرسید و روش دیگری به وجود آمد.

می‌توان گفت، که نکات خوب این روش این است، زبان آموز با قواعد و دستور زبان مادری خود بیشتر آشنا می‌شود. این روش نیز به معلم کمک می‌کند، تا معنی واژگان و جملات را به راحتی برای زبان آموزان منتقل کنند. به جز اینها مزایای دیگری نیز دارد، هم برای زبان آموز و هم برای معلمان. این روش یادگیری خالی از کاستی نیست، می‌توان از معایب این روش چنین برشمرد، که تمرکز اصلی کمتر بر زبان مقصد یعنی زبان دوم بود، بلکه بیشتر بر زبان مادری بود. هیچ گونه مکالمه‌ای به زبان دوم به خصوص نزد زبان آموزان صورت نمی‌گرفت. این بدان معنی است، که کاملاً بی توجهی به زبان مقصد بود. چون در این روش تمرکز بیشتری بر روی گرامری بود. این روش یادگیری تا کنون در مدارس و دانشگاه‌ها کاربرد دارد و از آن استفاده می‌شود. با اینکه این روش تأثیرات چندان ندارد در یادگیری زبان دوم نزد زبان آموزان. اما تا کنون این روش در سطح فراوانی برای تدریس زبان لاتین و یونان مورد استفاده است. (فالک: 1372، 489). ولی در ربع اول قرن حاضر تعداد زیادی از عوامل دیگر موجب شد که اهداف و متدهای آموزش زبان را دگرگون کردند. (فالک: 1372، 413). اما در هر صورت باشد این متد موفق نشد، اما چندان تعجب آور و جای نگرانی نیست.

زیرا که این روش برای این مقصد مطرح نشده بود. در این روش به رغم تأکیدی که بر مهارت خواندن و نوشتن صورت می‌گرفت، اما توانایی برقرار کردن ارتباط شفاهی هدف را در زبان کمتر افزایش می‌داد. همه این عوامل باعث شد که مردم به دنبال راه دیگری باشند برای یادگیری زبان خارجی. برای این مقصد نیز روش جدیدی به وجود آوردند به نام روش مستقیم.

## 2. روش مستقیم (DM)(Direct Method)

این روش به عنوان واکنشی به ناتوانی درک شده در برابر روش پیشین، یعنی روش دستور-ترجمه (GTM) به منظور آموزش زبان آموزان به برقراری ارتباط واقعی ظهور یافت. در واقع یک عکس العمل شدید بود در مقابل روش قبلی، در این روش تلاش کرده‌اند آنچه را کودکان جوان در هنگام فراگیری زبان در معرض آن قرار دارند، بازآفرینی کنند. به عنوان مثال هر آنچه در کلاس درس تدریس می‌شد، می‌بایست با استفاده از زبان دوم بیان می‌گردید. (بول: 1385، 224). در این متد (DM)، حفظ کردن فهرست‌های لغات و دستور زبان و تمرین ترجمه به کلی نادیده گرفته شد. یعنی به هیچ وجه زبان مادری در کلاس مورد استفاده زبان آموزان قرار نمی‌گرفت و هیچ بحثی درباره ساختار زبان وجود نداشت. در این روش معلم تنها از راه تصاویر و وسایل صحنه به زبان آموزان کمک می‌کرد تا آنچه را می‌گوید، بفهمند. اساس این متد نظریه‌ای بود به عنوان (بزرگسالان هم می‌توانند همانند کودکی که زبان مادری خود را فرا می‌گیرد یاد بگیرند). (فالك: 1383، 114-413). اما متأسفانه این روش، همانطور که قبلاً ذکر شد، آشنایی کودک نوجوان در خانه [با زبان]، با تجربیات زبان آموز در کلاس کاملاً متفاوت است. با اینکه بعضی از فراگیرندگان مدعی شده‌اند که این روش، خصوصاً به شیوه‌ای در مدارس برلین تدریس می‌شده، برایشان سودمند بوده، در حالی که برای بسیاری از افراد دیگر، ظاهراً روش مذکور خسته کننده بوده. (بول: 1385، 224). این روش یک تئوری اساسی و مخصوص به خود دارد، یادگیری زبان دوم باید چیزی شبیه به یادگیری زبان اول باشد. آن هم از طریق تعاملات شفاهی زبان (Oral Interaction)، استفاده مداوم از زبان، عدم ترجمه بین زبان اول و دوم و توجه کم یا عدم توجه به قواعد دستوری است. می‌توان گفت در این روش به طور کامل به زبان آموز بسیار اهمیت داده می‌شود. مهارت‌های ارتباطی شفاهی به صورت تبادل سؤال جواب بین معلم و زبان آموز به صورت سازمان یافته و هدفمند جهت پیشرفت مهارت، صحبت کردن (speaking) چیده می‌شود، در این روش بر خلاف روش گرامر-ترجمه (ترجمه-دستوری) به دستور زبان اهمیت داده نمی‌شود. در این روش باید از زبان مورد نظر یادگیری برای بیان مقاصد خود استفاده شود و نباید با زبان مادری سخن گفت، و تنها واژگان و جملات ساده روزمره مورد استفاده این روش قرار می‌گرفت. (Krashen:1982, 135). این نکات و چندین نکته دیگر مورد استفاده زبان آموزان در این روش است. بنابر این می‌توان گفت این روش به طور معمولی در کلاس برگزار می‌شود و زبان آموز باید نقش مؤثری داشته باشد و سعی در حرف زدن به زبان دوم برای بهتر یادگیری و استفاده خود و کاملاً وقت خود را صرف درس‌ها و یادگیری زبان کند در آن مدت زمانی که در این روش برای یادگیری نیاز دارند با موفقیت طی کنند. روش مستقیم عملاً موفق از آب در آمد. «زبان آموزان حد اقل می‌توانستند درباره نظام واجی زبان خارجی مطلبی بیاموزند، و برای کاربرد زبان در جهت ایجاد ارتباط، انگیزش و فرصتی در اختیار داشتند». (فالك: 1372، ص 491-492). همانطور که گفته شد مبنای روش مستقیم یادگیری زبان دوم نزد بزرگسالان به نحوی است که همان گونه فراگیری زبان کودکان است، اما زبان آموزان باز هم مشکل داشتند و به خصوص که آنها قبلاً زبان بومی خود را فرا گرفته اند یادگیری زبان خارجی برای آنها



اندکی دشوار و خسته کننده است، زیرا این روش توسط برخی از زبان‌آموزان رد گردید، به رغم اینکه معلمانی که تدریس می‌کردند خود از راه متد قبلی GTM زبان دوم را یاد گرفته بودند، همه این عوامل موجب شد که روش دیگری به وجود آید.

### 3. روش شنیداری گفتاری (آدیولینگوال-آدیولینگوال) (Audio Lingual Method)

یکی دیگر از روش‌های یادگیری زبان دوم، روش شنیداری-گفتاری بود، «پیش از دهه 1960 نظریه رفتارگرایی بر زمینه بررسی زبان آموز کودک حاکم بود. بر پایه نظریه مذکور، یادگیری زبان همانند دیگر رفتارها، به عنوان تشکیل عادت‌های زبانی در نظر گرفته می‌شود.» (مشکوه‌الدینی: 1397، 288). به ویژه در طول دهه 1950 تا حدود پایان دهه 1960، اغلب این روش مورد تأیید آنهایی شد که می‌گفتند: «یادگیری زبان خارجی، اساساً یک فرایند مکانیکی از شکل‌گیری عادت‌ها است.» (یول: 1385، 225). (به نقل از ریورز - rivers، 1964) بررسی یادگیری و نیز روش‌های آموزش زبان دوم نیز غالب بود. این بدان معنی است که زبان آموزی از راه انگیزه، تقلید و پاسخ، تقویت، تکرار و تشکیل عادت‌های زبانی صورت می‌پذیرد از این رو، روش‌های آموزش زبان بر مبنای فرایندهای که ذکر شد در بالا تشکیل می‌یافت. هدف عمده تدریس زبان خارجی به روش شنیداری-گفتاری عبارت است از «ایجاد عادت‌های زبانی جدید و کاربرد آنها به وسیله زبان آموز». (وثوقی: 1376، 121). یکی از ویژگی‌های این روش، استفاده از تمرین الگویی و تدریس نحو است. برای ایجاد "عادت‌ها" استفاده از زبان از راه تقلید در زبان آموزان، تمرینات به شدت کنترل شده، تمرین کردن الگوهای مورد استفاده که همگی به صورت شفاهی انجام داده می‌شدند، که در آنها یک ساختار دستوری در آخر ایجاد می‌شد. (فالك: 1383 416). با آنکه روند تدریس مهارت‌ها در متد شنیداری-گفتاری معمولاً مکانیسم تقلید و حفظ کردن و همچنین شکل تمرین الگو را به خود می‌گیرد که طی آن، زبان آموز ساختار زبان خارجی را به طور خود به خودی، تقلیدی و مکانیکی فرامی‌گیرد تا آهسته آهسته به شیوه ساختار آن آگاهی حضوری به دست آورد. (آقایی، مظفری: 1399، 77). ولی در هر صورت نباید قبل از هر موردی زبان آموز را به این امر که او مجبور به تمرکز یافتن بر قالب‌ها و فرمول‌های کاربردی زبان دیگر واداشت، لذا این امر موجب مانع پیشرفت زبان آموز در گفتگو می‌شود. زبان‌شناسی چون روبیرت لادو Robert Lado، متوجه این شده است که این روش بحث می‌شود، که زبان آموز نتواند ساختار جدیدی را باز بسازد، زیرا که تنها چیزی را که می‌شنود تقلید می‌کند، و این نکته ضعف این روش یادگیری است. (حمدامین: 2010، 15). برخی از روش‌های یادشده از جمله گفتاری شنیداری، حتی تا کنون نیز به کار می‌رود. بر پایه نظریه رفتارگرایی، یادگیری زبان دوم به عنوان فرایند تشکیل عادت‌های زبانی جدید از راه فرایندهای یاد شده در بالا تعریف می‌شود. فقط وجه تفاوت آن با یادگیری زبان اول در این است که یادگیرنده زبان دوم از پیش مجموعه‌ای از عادت‌های مربوط به زبان اول را نیز داراست بر این اساس، این گونه به نظر می‌رسد که عادت‌ها شاید در فرایند یادگیری زبان دوم در پایان کار با استفاده و کمک کننده باشد و یادگیری را آسان‌تر نماید، و یا برعکس باشد، منفی و غیر سودمند باشد باعث پیشرفت آن شود یا حتی یادگیری را دشوار سازد. در کل می‌توان چنین برداشت کرد، عادت‌های زبانی می‌توانند سودمند و کمک کننده باشند به یادگیری زبان دوم نقش انتقال مثبت ایفا کنند. اگر از این روش به طور صحیح و درستی استفاده شود، کاملاً می‌تواند باز خورد مثبتی داشته باشد.

#### 4. یادگیری الکترونیکی (Online Learning)

یکی از روش‌های نوین یادگیری از راه دور دست است، که به فرد امکان می‌دهد مستقلاً خارج در درس به مطالعه مواد آموزشی پرداخته و در کنار آن از رایانه جهت تعامل سود جویند. در این روش یادگیری، فرد با دروس و مواد آموزشی به شدت ساختارمند و برنامه‌های یادگیری دقیق روبرو می‌گردد. برخی یادگیری الکترونیکی را بیشتر شیوه‌ای برای انتقال مفاهیم می‌دانند تا روشی برای توسعه یادگیری. باید توجه داشت اگرچه این روش را روش نوین می‌دانند، ولی این روش یادگیری نیز همچنان از قواعد سنتی یادگیری پیروی می‌نماید. به سخن دیگر در این روش نیز استفاده از روش‌های تقویتی مناسب از اهمیت خاص برخوردار است. (رحمتی و دیگران: 1390، 31). در حال حاضر گسترش اینترنت و متعاقباً (تفکر) آموزش نوین حضوری (online learning)، متخصصان آموزش زبان را به استفاده از این ابزار، به عنوان بستر و محیط آموزشی نه ابزاری کمک آموزشی برای انتقال آموزش و مهارت‌های زبانی ترغیب کرده است. (حقانی: 1384، 94).

رایانه یا به طور کلی فناوری، جایگاه مهمی در جامعه دارد که روز به روز با زندگی بشری آمیخته و آن را بیشتر تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. استفاده از فناوری در تدریس زبان خارجه به طور فراوانی در دهه‌های اخیر به عنوان شایستگی‌های فناوری در تدریس و یادگیری زبان، افزایش یافته و در جهان در حال گسترش است. یادگیری به کمک رایانه یا به اختصار CALL نقش به سزایی در آموزش و پرورش اجرا می‌کند و بافت تعاملی CALL کاربرد تکمیل‌کننده‌ای در تدریس سنتی در راستای کلاس‌هایی است که در آنها از گچ و تخته استفاده می‌شود. پژوهش‌های انجام شده در این مورد نشان داده که CALL تأثیر مثبتی بر کارایی و نگرش فراگیران دارد. (Bayrak and Bayram:2010, p2194-2196).

امروزه استفاده از فناوری‌های نوین و رایانه‌ای در حوزه اطلاعات و ارتباطات در بسیاری از موارد زندگی به خصوص در فرایند یادگیری زبان بسیار حائز اهمیت است، آموزش الکترونیکی Learning-E آموزش مبتنی بر فناوری اطلاعات است. با توسعه اطلاعات و شبکه‌های بین‌المللی، فرایند آموزش و یادگیری نیز دچار تغییرات عمده‌ای شده است. از نظر کارشناسان فناوری آموزشی رویکردی مکانیکی نسبت به گستره فناوری و تعلیم و تربیت است و بالاتر از کاربرد ابزار آموزشی است. متخصصان نیز بر این باورند که فناوری آموزشی شامل رویکردی نظام‌مند، طراحی، اجراء، ارزشیابی و حل مشکل برنامه‌های آموزشی است. (محمدی: 1387، 116). زوارکی و قربانی برای استفاده از اینترنت و شبکه جهان گستر وب دو الگوی آموزشی عمده را برای تدریس و یادگیری بیان کرده‌اند: اول آموزش مبتنی بر وب (web-based training)، دوم یادگیری غنی شده مبتنی بر وب. بین این دو الگو نیز تمایزی مطرح ساخته‌اند، که آموزش مبتنی بر وب، وب و فناوری‌های اینترنت را به عنوان رسانه‌ی اصلی برای ارائه بکار می‌برد، درحالی‌که یادگیری غنی شده مبتنی بر وب از فناوری‌ها و منابع اینترنت برای حمایت از یادگیری و تدریس در کلاس درس استفاده می‌کند. یادگیری غنی‌شده مبتنی بر وب یک رویکرد آموزشی کلاس محور است که به یادگیرندگان اجازه می‌دهد تا از فناوری‌های اینترنت بخصوص وب، برای دستیابی به اطلاعات و منابع انسانی هدفمند و مشخص به طریقی که منجر به یادگیری می‌شوند استفاده کنند و همچنان می‌تواند تدریس و یادگیری را بالاتر از بازیابی اطلاعات برای حل مسائل گسترش دهد و بافت‌های یادگیری گوناگونی برای یادگیرندگان و معلمان را فراهم کند، همچنین ارتباط اجتماعی مشارکتی بین یادگیرندگان و معلمان را تسهیل کند منجر به دانش‌سازی شود. (زوارکی و قربانی: 1394، 24).

احمدوند به نقل از زمسدون معتقد است که فناوری نوین در روند آموزش عالی می‌تواند موجب تحول و پیشرفت مدرسان شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات مدرسان را در بخش‌هایی از تدریس که معطوف به دانشجویان و در هم کنشی با آنان می‌باشد، با شرایط و الزامات جدیدی مواجه می‌سازد که در نتیجه به تأکید و تمرکز افزون‌تر بر روی جنبه‌های انسانی تدریس و یادگیری منجر خواهد شد و موجب تغییر عقیده و تصور نادرست مدرسان خواهد شد که نقش و وظیفه خود را انتقال اطلاعات می‌دانند. (محمدی: 1387، 122). بر همین اساس است که امروزه تا حد زیادی مسئله انباشت و انتقال اطلاعات از راه فناوری اطلاعات و ارتباطات منتفی شده است.

ژانت لرنر در مبحث استفاده از فناوری رایانه‌ای چندین ابزار رایج که در حال حاضر در سرانسر دنیا مورد استفاده دانش آموزان در روند یادگیری است در چندین نکته بیان می‌کند و مهمترین آنها به قرار زیر است:

1. اینترنت و شبکه جهانی: یکی از مهمترین ابزار رایج در مسئله استفاده از رایانه برای معلمان و دانش آموز یا دانشجویان اینترنت است.
2. فناوری سی‌دی رام (دیسک نواری): با نرم‌افزارهای سی‌دی می‌توان در برنامه‌ها از متن، ترسیم، تصویر، گفتار، ضبط شنیداری و ویدیویی استفاده کرد، دانش‌جویان می‌توانند برای مسائل درسی و حل مشکلات آموزشی از آن سودمند شوند.
3. فناوری دیسک و ویدیو: در این فناوری، از دیسک و ویدیو استفاده می‌شود که شبیه دیسک فشرده بزرگ است، که در آن اطلاعات زیادی ذخیره می‌شود. دانشجویان و دانش آموزان امکان دسترسی به آنها به آسانی دارند.
4. نرم‌افزار آموزشی: برنامه‌های آموزشی این نرم‌افزار برای تدریس مواد درسی جدید از طریق آموزش مستقیم طراحی شده است.
5. نرم‌افزار تمرین- و- ممارست: این برنامه‌ها به صورتی طراحی شده‌اند، که به دانش آموزان مهارت و مفاهیمی را که قبلاً آموخته‌اند تمرین می‌دهند. (لرنر: 1390، 61-62).

به طور کلی این نمایی ساده استفاده از کاربرد رایانه است، در مقابل این فناوری نوین یک جنبه دیگر نیز وجود دارد همانطور که در بالا بدان اشاره شد، استفاده از اینترنت است. امروزه استفاده از اینترنت به طور چشمگیری در دنیا توسعه یافته، بسیاری از مردم از آن استفاده می‌کنند برای کارای روزمره زندگی خود به شیوه‌ای حتی برخی از افراد برای کار تجاری و اقتصادی و فنی و... جنبه‌های دیگر نیز از شبکه‌های اجتماعی (Social network) و رسانه‌های اجتماعی (social media) را مورد استفاده خود قرار می‌دهند. بسیاری از کاربران اینترنت در تعداد زیادی شبکه‌های اجتماعی عضوند و بخشی از فعالیت‌های آنان از این طریق انجام می‌شود. امروزه یکی از شیوه‌های ارائه مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، ارائه آموزش از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی است. اینترنت و به تبع شبکه‌های اجتماعی برای یادگیری زبان بستر ساز محیط‌های جدید گشته و به مزیت‌های فراوانی منجر شده است. (رحمانی و همکاران: 1399، 97).

شبکه‌ها اجتماعی سایت‌هایی هستند که به مردم اجازه می‌دهند باورها و اعتقادات خود را بیان کنند و با دیگران تعامل اجتماعی برقرار کنند. در زمینه آموزشی جنبه‌های مثبت سایت‌های شبکه‌های اجتماعی و استفاده از آنها در حال آشکار شدن هستند. دانش آموزان از هم اکنون از شبکه‌های اجتماعی به عنوان کمک به تحصیلات خود در کارهای انفرادی و گروهی استفاده می‌کنند. (زوارکی و قربانی: 1394، 25). در حال حاضر کارکرد این شبکه‌ها تنها محدود به

اطلاع‌رسانی نمی‌شود، بلکه افراد می‌توانند با استفاده از این شبکه‌ها در سراسر جهان با هم در ارتباط باشند و اطلاعات را به اشتراک بگذارند. فرد می‌تواند از راه رایانه یا تلفن همراه، مانند موبایل‌های هوشمند یا تبلت‌ها از این شبکه‌ها استفاده کنند. به طور کلی در هر صورت استفاده درست و به جا از هر یک از این نوع شبکه‌ها می‌تواند بازتاب‌کننده جنبه مفید و مثبت باشد؛ به خصوص برای دانشجویان که می‌تواند منبع مهمی باشد برای دسترسی به هر گونه اطلاعاتی. اما متأسفانه به سبب مجازی بودن این رسانه‌ها بیشتر افراد به صورت منفی آن را به کار می‌برند. این فضای مجازی نسل جدید به حدی است که موجب شکستن مرزهای سنتی و یکپارچه‌سازی ارزش‌های انسانی شده، امروزه شیوه‌های ارتباطی از طریق اینترنت و این گونه شبکه‌ها افزایش یافته، چت روم‌ها، پیام‌های کوتاه و بازی‌ها... جایگزین ارتباطات زنده شده‌اند. متأسفانه همه این موارد روح و روان افراد جامعه را به چالش می‌کشاند. این بدترین تأثیرات منفی از این وسایل است، پژوهش‌ها یک مجله انگلیسی نشان داده که افراد بعد از اختراع اسلحه، اختراع تلفن همراه را بدترین اختراع همه زمان‌ها می‌دانند، زیرا که جایگزین بسیاری از وسایل دیگر مانند: رادیو، تلویزیون، رایانه شده، این وسایل به طور چشمگیری بر افراد به خصوص دانشجویان تأثیر گذاشته است و یک دنیای مجازی را برای خود ساخته‌اند اعم از طرز لباس پوشیدن و نگاه کردن فیلم‌های ترسناک و دیدن پوسترهای عجیب غریب بر روی دیوار اطاق آنها. استفاده بیش از حد از اینترنت می‌تواند ایجاد آسیب‌های روانی، عدم کنترل اجتماعی دانشجویان از سوی جامعه و خانواده و ایجاد خشونت از طرف دانشجویان، عدم تمرکز و اختلال خواب دانشجویان شود. (حسن‌قلی پور و همکاران: 2016، 9). همه آنها تأثیرات منفی است، که بر روی شخصیت و روان دانشجویان گذاشته می‌شود. از سوی دیگر شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند مانند یک روش خوب و مناسب برای تعامل میان دانشجویان از یک طرف و استادان و دانشجویان از طرف دیگر برای رساندن مطالب علمی و درسی مورد استفاده قرار گیرد. همچنان یک منفعت دیگر این شبکه‌ها این است که می‌تواند از این شبکه‌ها در سایت‌ها برای استفاده از برنامه درسی آن را مورد کاربرد قرار داد. همچنان استادان و معلمان نیز می‌توانند به صورت چشمگیری از این شبکه‌ها استفاده کنند و راه‌گشا باشد برای استادان و دانشجویان تا بتوانند خارج از کلاس با همدیگر در ارتباط باشند. علاوه بر وجود این همه برنامه‌های آموزشی که دانشجویان می‌توانند برای رشد خود و بالا بردن سطح دانش خود از مطالب درسی و غیره درسی از برنامه‌های چون YouTube و Facebook و Google و... غیره، که کمک‌کننده بسیار خوبی است برای دانشجویان، به خصوص در یادگیری زبان دیگری، ولی شیوه اشتباه به کارگیری این نرم افزارها هیچ منفعتی برای آنها ندارد؛ بلکه برعکس منجر به دور شدن از تحصیل و درس‌هایشان می‌شوند و به شدت سرگرم آن دنیای مجازی می‌شوند؛ که امروزه بسیاری از نوجوانان درگیر آن شده‌اند.

## - نقش تفاوت جنسیت در یادگیری زبان دوم

موضوع جنسیت در روند یادگیری زبان همیشه مسئله‌ای مهم بوده و مدام زبان‌شناسان در این مورد پژوهش‌های انجام داده‌اند. جنس مذکر و مؤنث کدام یک از آنها بیشتر زبان را یاد می‌گیرند، آیا هیچ تفاوتی بین آنها وجود دارد و تفاوت جنسیت چه نقشی بر عهده دارد در این فرایند، می‌توان ابتدا به فراگیری زبان نزد کودکان اشاره‌ای کرد. پژوهش‌های کلان‌دلیوس (1981) نشان داد که تفاوت‌های جنسیتی در اکتساب زبان وجود دارد، اما این تفاوت‌ها در همه حوزه‌های اکتساب زبان مورد انتظار نیست و به احتمال زیاد فقط در مؤلفه‌های معناشناسی و کاربردشناسی وجود دارد. (حمیدی و همکاران: 1392، 230).

«بنابر نظر مکوبی و ژاکلین (1975)، به نقل از فاندراگست: 1981، 21) سرعت زبان آموزی دختران تا سن 3 سالگی بیشتر از همسالان پسر می‌باشد و از 3 تا 11 سال تفاوت قابل توجهی میان آنها وجود ندارد هرچند در بعضی مواقع دختران تا حدی بهتر هستند، اما از 11 سالگی به بعد، زبان آموزی دختران پیشرفت سریع‌تری نسبت به پسران دارد». (رحمتیان و اطراشی: 1386، ص 157).

«آناستازی (1985)، به نقل از هاید و لین (1988) در بخشی از کتاب مشهور خود تحت عنوان "روانشناسی افتراقی" ادعا کرد که زنان از دوران کودکی تا بزرگسالی در عملکرد زبانشناختی و کلامی بر مردان برتری دارند». (همتی و شریفی: 1396، ص 61-81). این دو محقق خود نیز بر این باورند که مهارت‌های کلامی و زبانشناختی زنان از دوران کودکی تا بزرگسالی همواره برتر از مهارت‌های مردان است و دخترها از سنین کمی یعنی پیش از دبستان بسیار بهتر از پسران هم سن و سال خود به ابراز افکار و احساسات در قالب کلام می‌پردازند. آنها اولین کلمات خود را زودتر و واضح‌تر ادا می‌کنند، در گفتار خود از جملات طولانی‌تری استفاده می‌کنند و به صورت روان و شیواتری صحبت می‌کنند. اگرچه با ورود به دبستان تفاوت‌های زبانی آشکاری در بین پسران و دختران دیده نمی‌شود، اما دخترها خواندن را زودتر فرامی‌گیرند و به اندازه متوسط تعداد دانش‌آموزان پسر نیازمند کلاس‌های تقویتی خواندن بیشتر است. در کل دخترها در دوره دبستان نسبت به هم سالان پسر عملکرد بهتری در آزمون‌های املاء، دستور زبان و بیان شفاهی دارند. پژوهش‌های انجام شده در مورد یادگیری دختران و پسران، نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند، اما در یادگیری زبان خارجی این نظر که دختران نسبت به پسران موفق‌تر عمل می‌نمایند، مصداق پیدا می‌کند. (رحمتیان و اطراشی: 1386، ص 157). مطالعات پیشینه در این محبت نشان می‌دهد که نقش جنسیت به همراه سایر متغیرها در یادگیری زبان دوم نیز مورد توجه بوده و ماهیت این نوع پژوهش در طول زمان تغییر یافته است. فرامرزپور و توحیدی (1393) در پژوهشی یادگیری زبان انگلیسی را بر مبنای جنسیت شرکت کنندگان مورد بررسی قرار داده و چنین نتیجه‌گیری کردند که میان پسرها و دخترها در یادگیری درس زبان انگلیسی تفاوت معناداری وجود دارد و دخترها نسبت به پسرها در یادگیری این درس موفق‌تر هستند. (همتی و شریفی: 1393، ص 63). رحمتیان و اطراشی در مسئله ارتباط جنسیت و سن در یادگیری زبان خارجی چنان آورده‌اند، که تفاوت‌های جنسیتی در زمینه یادگیری زبان خارجی بنا بر نظریه پنفیلد (penfield) سن مطلوب برای یادگیری زبان خارجی را اولین دهه زندگی می‌دانند که بعد از آن دوران، نوعی سات بیولوژیکی درون ساخته فرصت‌های آموزشی از دست رفته را به طور غیر قابل انعطافی ثبت می‌کند و تلاش‌های بعدی در یادگیری زبان خارجی تنها با موفقیت نسبی همراه خواهد بود. (رحمتیان و اطراشی: 1386، ص 156). پس بر این اساس می‌توان گفت دخترها در یادگیری زبان دوم مسلط‌تر هستند از پسران آنان زودتر در این روند به توفیق می‌رسند، البته این نکته ناگفته نماند در برخی موارد این ذوق و سلیقه فرد یادگیرنده بر می‌گردد، که آیا تا چند خواهان یادگیری زبان دیگری است و اشتیاق و آرزوی آن تا چه حدی است.

## نتیجه گیری:

نتایج حاصل از این پژوهش این است که:

1. فرایند فراگیری زبان اول، فرایند ناخودآگاهی است و کودک زبان مادری را که زبان اول او محسوب می‌شود ناخود آگاهانه و از طریق تکرار کردن فرامی‌گیرد، این فراگیری در او با مرور زمان رشد پیدا می‌کند تا به مرحله تکامل می‌رسد.
2. فرایند یادگیری زبان دوم، فرایند خود آگاهی است، و فرد آن را در دوره بزرگسالی آگاهانه و با اختیار خود یاد می‌گیرد پس از آنکه که زبان اول L1 یا زبان بومی را در دوران کودکی یاد گرفته باشد. به صورت کلی نمی‌توان هر دو فرایند را یکی دانست، چون یکی آگاهانه و دیگری نا خود آگاهانه در انسان رخ می‌دهد.
3. در روند یادگیری، راه‌ها و متدهای زیادی وجود دارد که انتخاب کردن هر یک از این روش‌ها بستگی دارد به علائق و خواست‌های فرد یاگیرنده، از جمله: روش دستور- ترجمه، روش مستقیم، روش شنیداری-گفتاری و یادگیری از راه الکترونیکی. هر یک از آنها در روند یادگیری به شخص کمک می‌کند هر شخصی می‌تواند با بهترین شیوه از آنها استفاده کند هنگام یادگیری زبان دیگری، ولی روش دستور- ترجمه قدیمترین آنها است و زبان آموز نمی‌تواند تنها از راه گرامر و حفظ کردن واژگان زبان دیگری را به درستی بیاموزد. به صورت کلی روش دستور ترجمه موفق نشد، با اینکه در این روش به رغم تأکیدی که بر مهارت خواندن و نوشتن صورت می‌گرفت، اما توانایی برقرار کردن ارتباط شفاهی هدف را در زبان کمتر افزایش می‌داد. روش مستقیم با آنکه توسر برخی از زبان‌شناسان رد گردید، ولی باز تا حد زیادی موفق شد. روش‌های شنیداری گفتاری و یادگیری الکترونیکی در روند یادگیری بسار مؤثر هستند.
4. تفاوت سن نقش اساسی دارد، برخی بر این عقیده هستند که اختلاف جنسیت نقشی ندارد و پژوهش‌های نیز انجام شده، که خیر دختران زودتر از پسران زبان دیگری را می‌آموزند. بر اساس پژوهشات انجام شده و مطالعات قبلی و نتیجه به دست آمده می‌توان نظریه دوم را برتر دانست.



## Mother tongue and second language learning methods

Sajida Khalid Ahmad<sup>1</sup> - Atif Abdullah Farhadi<sup>2</sup>

<sup>1+2</sup> Persian Language Department, Language faculty, Salahaddin University, Erbil, Kurdistan Region, Iraq

### Abstract:

Language is a basic tool in communication based on the tight relation between the “signified” and “signifier” to provide meaning. Certainly, our mother native language plays a crucial role in this process. Basically speaking, language use is an abstract system exposing itself phonetically through sounds, and it’s primarily function is “communication”. Individuals build relationships with each other when following the language rules and forming “phonology” and construct words. From this perceptive, obviously, language integrates with human life aspects including the brain and daily activities from the time they are born to the last breath they take. This study is an attempt to explain analytically how we acquire our first language, how we learn the second language, alongside the methods of learning. The conclusions of the current study was: When learning a second language, there are four methods (the grammar\_translation method, direct method, audio\_lingual method, and digital education method) playing essential roles in the process .

**Keywords:** First Language (Mother Tongue), Second Language, Acquisition, Learning.

## منابع:

- اگرادی، ویلیام؛ دابرولسکی، مایکل؛ آرنف، مارک(1384). درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- باطنی، محمد رضا(1385). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چاپ هجدهم، تهران: امیر کبیر.
- باقری، مه‌ری(1390). مقدمات زبان‌شناسی، چاپ ششم، تهران: دانشگاه پیام نور.
- خانلری، پرویز ناتل(1399). تاریخ زبان فارسی، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران: فرهنگ نشر نو.
- دوسوسور، فردینان(1378). دوره زبان‌شناسی همگانی، ترجمه کوروش صفوی، چاپ اول، تهران: نشر هرمس.
- لرنر، ژانت(1390). ناتوانایی‌های یادگیری- نظریه‌ها، تشخیص و راهبردهای تدریس، ترجمه عصمت دانش، چاپ دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مشکوه‌الدینی، مهدی(1397). سیر زبان‌شناسی، چاپ هشتم: مشهد: دانشگاه فردوسی.
- فالک، جولیا اس(1372). زبان‌شناسی و زبان، ترجمه خسرو غلامعلی زاده، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- فالک، جولیا اس(1383). زبان‌شناسی و زبان: بررسی مفاهیم اساسی و کاربردها، ترجمه علی بهرامی، ویراست دوم، چاپ اول، تهران: رهنما.
- یول، جورج(1385). نگاهی به زبان، یک بررسی زبان‌شناختی. ترجمه نسرين حیدری، چاپ ششم، تهران: سمت.
- یول، جورج(1389). بررسی زبان، ترجمه علی بهرامی، چاپ اول، تهران: رهنما.
- آقایی، نسرين، مظفری، افسانه(1399). «جایگاه رویکرد ارتباطی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان(بررسی دیدگاه استادان با سابقه)، مطالعات رسانه‌ای، سال پانزدهم، ص 75-86».
- اصغر، حسنقلی پور و همکاران. «آشنایی با شبکه‌های اجتماعی و نقش آن در زندگی افراد». 3<sup>rd</sup>. international conference on Behavioral science and social studies-2 June 2016/ Istanbul- Turkey.
- حقانی، نادر(1384). «شیوه یادگیری مستقیم در بستر آموزش الکترونیکی»، پژوهش زبان خارجی، شماره 23، ص (93-106).
- حمیدی، فریده و همکاران(1392). «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره 5، شماره 2، ص (227-238).
- رحمانی، عبدالرزاق و همکاران(1399). «بررسی آمادگی الکترونیکی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در یادگیری مهارت‌های زبان عربی دانشجویان دانشگاه شیراز». پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، سال بیست و چهارم، شماره 46، ص(95-113).
- رحمتیان، روح‌الله و اطراشی، محمد حسین(1386). «بررسی نقش جنسیت در فرایند یادگیری زبان خارجی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره 55، (15-26)(147-158).
- رحمتیان، روح‌الله؛ مهربانی، مرضیه(1489). «بررسی سبک‌های متفاوت یادگیری زبان آموزان ایرانی در زبان‌های خارجی»، پژوهش-های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره 1، شماره 4، ص(93-107).
- رحمتی، داریوش سرهنگ ستاد و دیگران(1384). «یادگیری فردی با رویکرد راهبردی»، فصلنامه توسعه، سال ششم، ص(61-99).

زوارکی، اسماعیل زراعی و قربانی، حمید رضا(1394). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر یادگیری زبان انگلیسی دانش آموزان»، فناوری آموزش و یادگیر، سال اول، شماره 3، ص(23-36).

شادی‌گو، شهریار و کمري، محمدرضا (1393). «بررسی رویکردهای نوین و چالش‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان»، نخستین همایش آموزش زبان فارسی، اسفند، 93 ص(295-304).

شیخ سنگ‌تجن، شهین (1393)، «بررسی چند روش آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان»، نخستین همایش آموزش زبان فارسی، اسفند 93 ص(319-327).

محمدی، علی محمد(1387). «تأثیر فناوری ارتباطات و اطلاعات در آموزش و یادگیری زبان»، پژوهش زبان‌های خارجی، شماره 4، ص115-139.

محمدی، مجتبی (1388)، «ارتباط به‌کارگیری راهبردهای یادگیری و سطح مهارت فراگیران زبان انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی»، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال چهارم، شماره سوم، تابستان 88 ص(103-115).

صحرايي، رضامراد و خالقی زاده، شراره (1391) «راهبردهای یادگیری زبان دوم : در جستجوی نمایه‌ای برای زبان فارسی»، فصلنامه روانشناسی تربیتی شماره بیست و ششم، سال هشتم، زمستان 91 ص(1-34).

وثوقی، حسین(1376). «شیوه شنیداری- گفتاری در آموزش زبان خارجی». مدرس، شماره 3، ص (106-128).

همتی، فاطمه و شریفی، مریم(1396). «فرا تحلیل مطالعات مربوط به تأثیر جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی»، دو فصلنامه راهبردی شناختی در یادگیری، سال 5، شماره 9، ص(61-81).

حدامین، بختیار نوری(۲۰۱۰). کاریگری پرسته‌سازی کوردی له‌سه‌ر فیروونی زمانی ئینگلیزی(شیکردنه‌وه‌یه‌کی به‌رانبه‌ریه). به‌کالوریوس له زانکوی سه‌لاحه‌دین به‌شی زمانی کوردی. هه‌ولیر.

Stephen Krashen, D. (1982). Principles and practice in second language acquisition, English language Teaching series, London: prentice- Hall international (UK) Ltd.

Bayrak N.K and Bayram H., Effect of computer aided teaching of acid- bace subject on the attitude towards science and technology class, procedia socialand Behavioral science, vol.2, 2010, p2194-2194.